از شهر

تولید ۵۳۵ هزار تن آلایندگی در پایتخت

ایسنا: رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران گفت: «طبق آخرین سیاهه منتشرشده در پایتخت آلایندگی‌های موجود در حدود ۵۳۵ هزار تن بدون احتساب دی‌اکسید کربن برآورد شده و از این عدد ۴۰۱ هزار تن آلایندگی منابع متحرک و ۱۳۴ هزار تن آلایندگی منابع ثابت بوده است». مهدی پیرهادی با اشاره به وضعیت آلودگی هوای تهران و ریشه این بحران، گفت: «وضعیت هوا با جان مردم سر و کار دارد و بی‌توجهی به این موضوع نسل‌های آینده را نیز دچار چالش می‌کند. این مسئله حتی موجب می‌شود فرزندان ما دچار مشکلات تنفسی و بیماری‌های مختلف شوند». او با اشاره به گزارش دیوان محاسبات کل کشور در سال ۱۴۰۲ در حوزه زیست‌محیطی، ادامه داد: «شفاف‌سازی در این حوزه بسیار کمک خواهد کرد تا مسئولان مربوطه آسیب‌شناسی کنند و نسبت به حل مشکلات اقدام کنند؛ ۲۲۸ حکم احصاشده قانون هوای پاک برای حدود ۲۳ دستگاه دارای اهمیت ویژه‌تری هستند و بر این اساس در سال ۱۴۰۱، تنها ۱۲ درصد یعنی ۲۸ حکم از احکام قانون هوای پاک به‌طورکامل اجرا شد. ۲۷ درصد احکام به‌طورکامل انجام نشد که در واقع ۲.۵ برابر احکام انجام‌شده محسوب می‌شود». عضو شورای شهر تهران اضافه کرد: «همچنین ۶۱ درصد از احکام ناقص انجام شده بود؛ به عبارتی تا سال ۱۴۰۱، ۸۸ درصد از احکام قانون هوای پاک به اجرا نرسیده بود. در سنوات گذشته تکالیفی برای دستگاه‌ها پیش‌بینی شده بود که برخی از این دستگاه‌ها نسبت به حذف و بازنگری تکالیف خودشان در هیئت دولت اقدام کردند؛ مثلا اجرای طرح کهاب یکی از تکالیفی بوده که مدام به تأخیر افتاد و به اجرا نرسید». او با بیان اینکه «به جای پاک‌کردن صورت مسئله، باید می‌رفتند و راه‌حل پیدا می‌کردند تا این تکلیف را به اجرا دربیاورند»، افزود: «گزارشات متعددی را سازمان محیط زیست به قوه قضائیه اعلام کرده که برخی از دستگاه‌ها ترک فعل کرده‌اند؛ اینکه کدام دستگاه‌ها ترک فعل کردند باید شفاف‌سازی شود و محیط زیست هم در این راستا باید قاطعانه‌تر برخورد می‌کرده است، چراکه این سازمان ناظر بر قانون هوای پاک است». پیرهادی افزود: «نکته‌ای که وجود دارد این است که رئیس سازمان محیط زیست را رئیس‌جمهور منصوب می‌کند. همین رئیس سازمان محیط زیست باید ترک فعل دستگاه‌هایی را که زیرمجموعه دولت هستند، به قوه قضائیه اعلام کند؛ در این شرایط عملا قرار نیست گزارش درستی از ترک فعل دستگاه‌ها ارائه شود، چراکه ممکن است رئیس‌جمهور و وزرا ایراد بگیرند که چرا ترک فعل دستگاه دولتی به قوه قضائیه گزارش شده است». او همچنین با تأکید بر اینکه «قانون هوای پاک ضمانت اجرایی ندارد»، گفت: «اگر دستگاهی به تکالیفش عمل نکند، راحت‌ترین کار برای این دستگاه این است که بگوید منابع ندارد و به دنبال راه گریز باشد. چه کسی قرار است ترک فعل را پیگیری کند؟ متأسفانه چنین نقایصی در فرایند قانون هوای پاک وجود دارد. در خود قانون باید اصلاحاتی صورت بگیرد. سازمان محیط زیست صرفا نمی‌تواند ناظر بر اجرای قانون هوای پاک باشد و خود رئیس‌جمهور یا معاون اول او باید متصدی این کار می‌شدند». رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران درباره کیفیت سوخت در شهر تهران، ادامه داد: «مسئله کیفیت سوخت هم از سنوات گذشته مطرح بوده است؛ گرچه وضعیت تهران نسبت به بعضی از شهرستان‌ها بهتر است، اما افزایش کیفیت سوخت ضرورت دارد. این برنامه حجم بسیار زیادی برای سرمایه‌گذاری می‌خواهد و باید از سنوات گذشته یا حداقل یک دهه گذشته سرمایه‌گذاری صورت می‌گرفت تا به وضعیت بهتری می‌رسیدیم». او ادامه داد: «در بحث اسقاط خودروهای فرسوده یا در بحث تبدیل موتورسیکلت‌های کاربراتوری به انژکتوری نقص جدی داشتیم و این فرایند در سنوات گذشته بارها به تعویق افتاده است. بیش از چهار میلیون موتورسیکلت داریم که بسیاری از آنها فرسوده هستند و برخی از این موتورسیکلت‌ها بین ۷ تا ۱۴ برابر یک خودرو آلایندگی تولید می‌کنند و این موضوع بسیار جدی است. همچنین سرعت جایگزینی خودروهای جدید با خودروهای فرسوده کم است». پیرهادی در این خصوص پیشنهاد داد: «باید تعرفه موتورسیکلت‌ها و خودروهای هیبریدی صفر شود، چراکه مردم به خرید ترغیب خواهند شد. اگر بخواهید هزینه‌های تحمیل‌شده در حوزه درمان و زندگی به مردم و مرگ و میرهای ناشی از آلودگی هوا به‌واسطه تعطیلی‌ها را محاسبه کنید، کشور متحمل ده‌ها میلیارد هزینه و خسارت می‌شود. می‌توانیم به جای این هزینه‌ها تعرفه ورود این خودروها را به کشور صفر کنیم و اجازه دهیم مردم به شرط نوسازی به سمت برقی‌سازی خودروهایشان بروند و قطعا از وضعیت امروز خارج خواهیم شد». او با اشاره به سیاهه انتشار جدید آلودگی هوا عنوان کرد: «از ابتدای دوره ششم شهرداری تهران را تکلیف کردیم که به سراغ تهیه سیاهه انتشار جدید برود و طی برگزاری مناقصات، دانشگاه علم و صنعت به عنوان اجراکننده و دانشگاه تهران به عنوان ناظر فرایند اجرایی معرفی شدند. این کار تمام شده و طی چند هفته آینده منتشر خواهد شد؛ این سیاهه انتشار چند ویژگی دارد و به‌روز شده و علاوه بر آن به علل ثانویه آلودگی هم پرداخته است». پیرهادی ادامه داد: «این علل ثانویه پس از ترکیبات و فعل و انفعالات تبدیل به منشأ آلایندگی می‌شوند؛ در سیاهه انتشار قبلی به این مسئله اشاره نشده بود. برخی از کارگاه‌ها و زمین‌های کشاورزی وجود دارد که بقایای محصولاتشان را می‌سوزانند که در این سیاهه جدید در نظر گرفته شده است. این آلایندگی نه‌تنها در تهران، بلکه در استان‌های همجوار هم تاثیرگذار است. مثلا وزش باد می‌تواند آلایندگی‌های موجود در استان البرز را به تهران بیاورد». او اضافه کرد: «کارگاه‌ها، کارخانه‌ها، پالایشگاه‌ها و همه واحدهای صنعتی و تجاری می‌توانند در آلایندگی‌ها نقش داشته باشند و این مسئله در سیاهه انتشار جدید در نظر گرفته شده است. به‌واسطه نگاه علمی صورت‌گرفته، به همه موارد پرداخته شده است و اکنون به سراغ بحث‌های تکمیلی برای سیاهه انتشار بعدی رفته‌اند. تمام انتشار آلاینده‌ها در سال ۱۴۰۱ در حدود ۵۳۵ هزار تن بدون احتساب دی‌اکسید کربن برآورد شده و از این عدد ۴۰۱ هزار تن آلایندگی منابع متحرک و ۱۳۴ هزار تن آلایندگی منابع ثابت بوده است». رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران، افزود: «با این حال باید به منابع ثابت توجه ویژه شود و میزان آلایندگی آن در سیاهه انتشار جدید در نظر گرفته شده؛ متأسفانه طی این سال‌ها صرفا به منابع آلاینده متحرک توجه شده است. در گزارش جدید سیاهه انتشار به موضوع منابع آلاینده ثابت پرداخته شده است و اشاره شده که نقش این منابع کلیدی است. بسیاری از دستگاه‌های صنایع که فرسوده می‌شوند به سمت آلایندگی پیش می‌روند و باید به سمت نوسازی آنها برویم».

گزارش «شرق» از کودک کاری که فقر او را کشت

نازنین‌زهرا دیگر نیست

نسترن فرخه: ماشین با سرعت به تن نحیف او اصابت می‌کند، جعبه بیسکوییت‌ها همراه با خون غلیظی آسفالت خیابان را می‌پوشاند. رهگذران برای دقایقی دور او جمع می‌شوند و بعد از یک ساعت که آمبولانس جسد را می‌برد، دیگر اثری از نازنین‌زهرا باقی نمی‌ماند و همه او را فراموش خواهند کرد.

حالا ۴۰ روز است که دختر دست‌فروش زیر پل فجر در محدوده شیخ بهایی دیگر لابه‌لای هیچ‌کدام از ماشین‌های پشت چراغ قرمز رفت‌وآمد نمی‌کند.

فقر زندگی آدم را می‌بلعد، اولویت‌ها را تغییر می‌دهد و فرصت زیستن را از همه می‌گیرد. همچون شرایط نازنین‌زهرا که تا ۱۰سالگی به جای نشستن در کلاس درس، باید روز و شب، دست‌فروشی می‌کرد و همین مسئله جانش را گرفت. هرچند که چندماهی بود که با اشتیاق در مدرسه ارفک شوش شروع به تحصیل کرده بود. معلم‌ها از استعداد و علاقه‌اش به درس می‌گویند که حتی بعد از اتمام کلاس‌ها تمایلی به خارج‌شدن از این مجموعه را هم نداشته و آنجا تنها پناه امن این کودک بوده است. ولی فرصت زیستش کوتاه بود و دیگر در هیچ کلاس درسی حاضر نخواهد شد.

ماجرای آسیب جسمی و جانی کودکان کار آمار قابل تأملی را به خود اختصاص می‌دهد. این مجموعه تنها به عنوان یک نمونه از سال ۱۳۹۵ تا الان ۱۵ مورد تصادف کودک کار در خیابان را شاهد بوده، از شکستگی اعضای بدن تا حوادثی که در نهایت به مرگ کودک انجامیده است. وجه مشترک تقریبا همه این تصادف‌ها، فرار رانندگان از صحنه و رهاکردن کودک بوده است. ماجرایی که در صورت پیگیری نهادهای مردمی، همچون ماجرای نازنین‌زهرا هم به جای خاصی نخواهد رسید.

دختری که دیگر به مدرسه نیامد

تنها نقطه امن زندگی او، همین کلاس و نیمکت‌هایی بوده که حالا خالی از حضورش است. معلم و مددکار و دیگر آدم‌های این مؤسسه از میل و استعداد این دختر ۱۰ساله می‌گویند، دختری که دیگر نیست، مثل محمد فرزانه، معلم جوانی که برای «شرق» توضیح می‌دهد: «نازنین‌زهرا در محیطی پرچالش و آسیب‌دیده بزرگ شده بود. استقلال رفتاری‌اش نشان می‌داد که ناچار شده زودتر از سن خود وارد دنیای بزرگسالی شود. در روزهای اول، سردرگم و بی‌میل به حضور در مدرسه بود، اما با گذشت زمان و شکل‌گیری ارتباط، تغییرات مثبتی در او دیدم ولی با رفتنش این مسیر ادامه پیدا نکرد. این کودک به‌وضوح نشان داد که می‌خواهد یاد بگیرد و مسیر زندگی‌اش را تغییر دهد. در همین مدت کوتاه، نشانه‌های روشنی از رشد و پیشرفت در او دیده می‌شد. متأسفانه این فرصت ادامه پیدا نکرد. این حادثه برای من همچنان شوکه‌کننده است و بعد از گذشت ۴۰ روز، هنوز نمی‌توانم آن را بپذیرم». نازنین‌زهرا دختر ۱۰ساله‌ای بود که از تحصیل باز مانده بود. او دو برادر داشت؛ یکی پنج‌ساله که در پیش‌دبستانی ثبت‌نام شده بود و دیگری ۱۱ساله که تازه وارد کلاس دوم شده بود.

مرضیه جعفری، کارشناس آموزش ارفک، حرفش را با خاطره‌ای شروع می‌کند: «چند روز پیش از حادثه، دیدم نازنین‌زهرا از کلاس بیرون آمده و کنار پنجره راهرو نشسته است. وقتی از او پرسیدم چرا سر کلاس نیست، گفت همکلاسی‌هایش می‌خواهند بازی کنند و او دوست ندارد. از او خواستم به دفتر بیاید تا صحبت کنیم، اما ناراحت بود و نیامد. چند دقیقه بعد، نازنین‌زهرا را در حیاط و نشسته روی گاری دیدم. کنارش نشستم و دوباره پرسیدم چرا سر کلاس نمی‌رود. خیلی آرام گفت: «خانم، می‌خواهم سواد یاد بگیرم، می‌خواهم باسواد بشوم». گفت بچه‌ها از معلم خواسته‌اند بازی کنند، اما خودش دلش می‌خواهد درس بخواند. به او گفتم هم برای بازی وقت هست و هم برای درس. اما متأسفانه زمان با او همراهی نکرد. چند روز بعد، نازنین‌زهرا آسمانی شد. بعد از گذشت ۴۰ روز، هنوز صدای آرامش در گوشم می‌پیچد که می‌گفت: می‌خواهم سواد یاد بگیرم، می‌خواهم باسواد شوم». زمان، یار خوبی برای نازنین‌زهرا نبود و چرخ زندگی هرگز به کام او نچرخید. نسیم ایزدی‌راد، مددکار خانه ارفک شوش، شرایط زندگی این کودک را چنین توصیف می‌کند: «نازنین‌زهرا هیچ‌گاه به مدرسه نرفته بود و در خانواده‌ای پرجمعیت با فاصله سنی کم بین بچه‌ها زندگی می‌کرد. شرایط معیشتی خانواده بسیار دشوار بود؛ خانه‌ای ۱۲متری با وسایلی فرسوده و کهنه. با وجود اینکه چند نفر از اعضای خانواده کار می‌کردند، وضعیت اقتصادی آنها همچنان نابسامان بود. نازنین‌زهرا به‌جز زمانی که در واحد آموزشی ارفک حضور داشت، یا در خانه مشغول کارهای منزل و نگهداری از خواهر و برادرهای کوچک‌ترش بود یا در خیابان دست‌فروشی می‌کرد؛ از گل و ویفر گرفته تا دستمال کاغذی. او آن‌قدر مشتاق یادگیری بود که همیشه از ما می‌خواست بیشتر در کلاس بماند و تمرین کند، چون می‌دانست اگر به خانه برگردد، باید بار مسئولیت خانواده را به دوش بکشد. نازنین‌زهرا هیچ‌گاه فرصت کودک‌بودن نداشت. تمام سال‌های کودکی‌اش درگیر دغدغه‌های بزرگسالانه بود». به گفته ایزدی‌راد داستان نازنین‌زهرا تنها یک نمونه از هزاران کودک محروم است: «محرومیت او از آموزش و بازی، نتیجه فقر، غفلت‌های سیستماتیک و ناکارآمدی نظام‌های حمایتی است. روز آخر، در زنگ پایانی کلاس، نقاشی ساده‌ای به من نشان داد که با اشکال هندسی، یک گل کشیده بود. تنها ۲۰ روز از شروع آموزش او گذشته بود، اما اشتیاقش شگفت‌انگیز بود. گفت هنوز حروف الفبا را کامل یاد نگرفته و از من خواست اسمش را روی نقاشی بنویسم تا به یادگار بماند. بعد از آن روز، نازنین‌زهرا دیگر به مدرسه نیامد».

در ۱۰ سال ۱۵ تصادف کودک کار، تنها در یک مجموعه

داستان نازنین‌زهرا، تنها یک نمونه است. دختری که کار اجباری در خیابان به دلیل فقر باعث مرگ او شد. آصفه کامرانی، رئیس هیئت‌مدیره ارفک ماجرا را این‌طور روایت می‌کند: «۲۸ آبان، وقتی نازنین‌زهرا و دو برادرش به مدرسه نیامدند، طبق روال پیگیری کردیم. تماس با خانواده نشان داد که نازنین‌زهرا در یک تصادف جان خود را از دست داده است. از همان لحظه، پیگیری‌ها آغاز شد؛ از بیمارستان بقیه‌الله تا کلانتری ۱۶ گاندی. با وجود اینکه راننده از صحنه فرار کرده بود، همکاری جدی از سوی پلیس راهور برای دسترسی به فیلم دوربین‌های مداربسته وجود نداشت. حتی به ما گفته شد که دانستن هویت راننده اهمیتی ندارد، چون در نهایت دیه از صندوق دولتی پرداخت می‌شود». به گفته کامرانی، محل اعلام‌شده برای تصادف، محدوده شیخ بهایی، زیر پل فجر بوده، اما با وجود دریافت بخشی از تصاویر دوربین‌های مداربسته، صحنه تصادف در هیچ‌کدام از آنها قابل مشاهده نبوده و توضیح می‌دهد: «در مراحل بعدی نیز به ما اعلام شد که امکان بررسی مجدد حجم بالای فیلم‌ها وجود ندارد و عملا همکاری متوقف شد. حتی اگر ما به‌عنوان یک نهاد مدنی پیگیری نکنیم، آیا وظیفه کلانتری و نهادهای مسئول نیست که مرگ یک کودک بی‌دفاع را پیگیری کنند؟ ما به دنبال مجازات کورکورانه نیستیم؛ حداقل انتظار، یک برخورد قانونی و مسئولانه است تا شاید از تکرار این بی‌تفاوتی‌ها نسبت به جان کودکان کار جلوگیری شود. نبود همین رویکرد بود که ما را وادار کرد برای آگاه‌سازی افکار عمومی، نشست خبری برگزار کنیم. اگر بخواهیم ریشه‌ای به موضوع نگاه کنیم، سؤال اصلی این است که چرا یک کودک باید در دوران کودکی مجبور به کار شود و نقش حمایتی در تأمین معاش خانواده ایفا کند؟ چرا کودکانی به دلیل فقر و شرایط سخت زندگی، ناچار می‌شوند به خیابان‌ها بروند و در محیط‌هایی پرخطر کار کنند؟ این پرسشی است که باید وجدان جمعی جامعه را درگیر کند».

کامرانی با طرح این پرسش که آیا خیابان اساسا می‌تواند محیطی امن برای کودکان باشد، ادامه می‌دهد: «در تقسیم‌بندی‌های مرسوم کار کودک، معمولا به مشاغل پرخطر مانند کار در معادن، کارگاه‌های ساختمانی یا درگیری‌های نظامی اشاره می‌شود، اما خیابان هرگز به‌عنوان یک فضای پرخطر برای کودکان جدی گرفته نشده است. در حالی که طی سال‌های اخیر، خیابان جان کودکان کار زیادی را گرفته است. نازنین‌زهرا یکی از همین قربانیان بود. خطر خیابان فقط تصادف نیست؛ تعرضات جنسی، خشونت‌های کلامی و فیزیکی و ضرب‌وشتم نیز بخشی از واقعیت زندگی کودکان کار در فضای شهری است. این اتفاق‌ها در برابر چشم شهروندان رخ می‌دهد، اما هنوز به اندازه کافی جدی گرفته نمی‌شود. ما به ظرفیت‌سازی فکری و آگاهی‌بخشی عمومی نیاز داریم. صدای واحدی که بتواند مطالبه‌گری کند، وجود ندارد. فعالیت‌های ما در ارفک به‌تنهایی کافی نیست و این یک زنگ خطر است». کامرانی از آماری حرف می‌زند که در مجموعه خودشان شاهد بودند. «از زمان تأسیس ارفک در سال ۱۳۹۵، طی حدود ۱۰ سال فعالیت، شاهد بیش از ۱۵ مورد تصادف برای کودکان کار بوده‌ایم؛ از شکستگی اعضای بدن تا حوادثی که در نهایت به مرگ کودک انجامیده است. وجه مشترک تقریباً همه این تصادف‌ها، فرار رانندگان از صحنه و رهاکردن کودک بوده است. این مسئله هم از منظر انسانی و هم از منظر قانونی، عمیقا نگران‌کننده است. این کودک بازمانده از تحصیل پیش از ورود به ارفک، هیچ تجربه‌ای از محیط آموزشی نداشت. پس از ثبت‌نام، آموزش او را با روش همیار سوادآموزی آغاز کردیم. او دانش‌آموزی بسیار مشتاق، باانگیزه و یادگیرنده بود؛ دختربچه‌ای که دوست داشت هرچه زودتر خواندن و نوشتن را یاد بگیرد. متأسفانه فشار معیشتی باعث شد نازنین‌زهرا نتواند در مسیر آموزش باقی بماند و در نهایت این اتفاق تلخ رخ داد».

تبدیل سوگ به آگاهی

داغ نبود نازنین حالا به چهلمین روز خود رسیده است. به گفته همراهان این کوک، حالا باید سوگ‌مان را به آگاهی تبدیل کنیم. بنابراین این ماجرا حتی دلیل برگزاری نشستی در مجموعه ارفک شد. ماجرایی که پرداختن به آن همیشه قابل اهمیت خواهد بود. سخنرانان این برنامه در چهلم نازنین‌زهرا از منظرهای حقوقی، روانی و اجتماعی به مسئله کودکان کار و مسئولیت ساختارهای رسمی و مدنی پرداختند.

به طور مثال صالح نقره‌کار با تمرکز بر حقوق کودک، به شکاف میان قوانین موجود و اجرای آنها اشاره کرد و تأکید داشت که کودک کار نه یک «استثنا»، بلکه محصول سیاست‌گذاری ناکارآمد و بی‌توجهی سیستماتیک است. او بر مسئولیت مستقیم نهادهای حاکمیتی در پیشگیری، حمایت و پاسخ‌گویی تأکید کرد. همچنین با اشاره به ناکارآمدی ساختارهای حمایتی، تأکید کرد که کودک کار نتیجه یک خلأ فردی نیست، بلکه محصول مستقیم سیاست‌گذاری‌های معیوب و فقدان نظارت مؤثر است.

یاشار کاظمی‌وکیل، دیگر میهمان این برنامه هم نیز با نگاهی حقوقی، از عادی‌سازی کار کودک در فضای عمومی انتقاد کرد و گفت وقتی فقر، کار کودک را «طبیعی» جلوه می‌دهد، مرگ و آسیب هم به امری قابل پیش‌بینی تبدیل می‌شود. او خواستار پاسخ‌گویی حقوقی و شفاف‌سازی مسئولیت‌ها شد و با انتقاد از عادی‌سازی کار کودک در جامعه، خواستار پاسخ‌گویی نهادهای مسئول و بازتعریف مسئولیت‌های قانونی در قبال کودکان شد.

الهه شعبانی، روان‌شناس بالینی، هم به آثار روانی کار خیابانی بر کودکان پرداخت و توضیح داد که ناامنی مزمن، اضطراب، احساس بی‌پناهی و فقدان تجربه کودکی، پیامدهای بلندمدتی دارد که گاه به فروپاشی روانی یا آسیب‌های جبران‌ناپذیر منتهی می‌شود. همچنین با تشریح پیامدهای روانی کار خیابانی، گفت فشارهای مستمر، ناامنی و فقدان حمایت، سلامت روان کودکان کار را به‌شدت تهدید می‌کند و این آسیب‌ها اغلب تا بزرگسالی ادامه می‌یابد. در بخش دیگر این نشست هم معین کامرانی مدیرعامل مجموعه افرا، ضمن یادآوری نام و هویت نازنین‌زهرا، تأکید کرد که هدف از این نشست صرفاً سوگواری نیست، بلکه تبدیل فقدان به مطالبه‌گری اجتماعی و جلوگیری از تکرار چنین رخدادهایی است. همچنین با بیان اینکه این نشست تلاشی برای زنده نگه‌داشتن نام نازنین‌زهرا و تبدیل سوگ به آگاهی است، تأکید کرد که جامعه مدنی نباید در برابر تکرار چنین فقدان‌هایی بی‌تفاوت بماند.

داستان نازنین‌زهرا، تنها یک نمونه است. دختری که کار اجباری در خیابان به دلیل فقر باعث مرگ او شد. آصفه کامرانی، رئیس هیئت‌مدیره ارفک ماجرا را این‌طور روایت می‌کند: «۲۸ آبان، وقتی نازنین‌زهرا و دو برادرش به مدرسه نیامدند، طبق روال پیگیری کردیم. تماس با خانواده نشان داد که نازنین‌زهرا در یک تصادف جان خود را از دست داده است. از همان لحظه، پیگیری‌ها آغاز شد؛ از بیمارستان بقیه‌الله تا کلانتری ۱۶ گاندی. با وجود اینکه راننده از صحنه فرار کرده بود، همکاری جدی از سوی پلیس راهور برای دسترسی به فیلم دوربین‌های مداربسته وجود نداشت. حتی به ما گفته شد که دانستن هویت راننده اهمیتی ندارد، چون در نهایت دیه از صندوق دولتی پرداخت می‌شود

خبر

تغییر شرایط وقوع آتش‌سوزی جنگل‌ها

ایرنا: جنگل‌های ایران، از زاگرس تا هیرکانی و ارسباران، میراثی هزاران ساله‌اند که امروز بیش از هر زمان دیگری در معرض نابودی قرار گرفته‌اند. اگر تا چند سال پیش شعله‌های آتش تنها در تابستان‌های گرم و خشک زبانه می‌کشید، اکنون حتی پاییز و زمستان نیز شاهد حریق‌های گسترده هستیم که روند نه تنها تنوع زیستی و منابع آب ایران را تهدید می‌کند، بلکه معیشت جوامع محلی و آینده نسل‌های بعدی را نیز در معرض خطر جدی قرار داده است. جنگل‌های ایران، از زاگرس تا هیرکانی، ریه‌های سبز سرزمین ما هستند، جایی که هزاران گونه گیاهی و جانوری در آن زندگی می‌کنند و میلیون‌ها انسان از آب، هوا و خاک حاصل از آن بهره‌مند می‌شوند. تا چند سال گذشته وقوع آتش‌سوزی در جنگل‌ها در تابستان یعنی فصل خشک و گرم سال رخ می‌داد اما مسئله مهم این است که اکنون شاهد وقوع آتش‌سوزی حتی در پاییز و زمستان هستیم و شعله‌های بی‌رحم آتش بخش زیادی از میراث هزاران ساله ما را در چشم‌برهم‌زدنی نابود می‌کنند. طبق گزارش‌های رسمی، سالانه بیش از ۱۵ هزار هکتار از جنگل‌ها و مراتع ایران در آتش می‌سوزند؛ رقمی که نه‌تنها نشان‌دهنده یک فاجعه زیست‌محیطی است، بلکه زنگ خطری برای آینده منابع طبیعی کشور محسوب می‌شود. هر هکتار جنگل سوخته یعنی از دست رفتن زیستگاه پرندگان، پستانداران و گیاهانی که شاید دیگر هرگز باز نگردند. این آتش‌سوزی‌ها تنها نابودی درختان نیست بلکه به معنای از دست رفتن امید روستاییانی است که معیشتشان به جنگل گره خورده، به معنای تشدید خشک‌سالی و فرسایش خاک و به معنای کاهش کیفیت زندگی نسل‌های آینده است. چندسالی است که آتش‌سوزی جنگل‌ها در ایران به یکی از جدی‌ترین بحران‌های محیط‌زیستی کشور تبدیل شده است. هرساله هزاران هکتار از جنگل‌های ایران بر اثر عوامل انسانی و طبیعی دچار حریق می‌شوند، این موضوع نه‌تنها اکوسیستم‌های ارزشمند ایران را تهدید می‌کند، بلکه معیشت جوامع محلی و منابع آب کشور را نیز تحت فشار قرار می‌دهد. جنگل‌های زاگرس، هیرکانی و ارسباران گنجینه‌های ارزشمندی هستند که تحت تأثیر خشک‌سالی در معرض آتش‌سوزی قرار گرفته‌اند. استان‌های ایلام، کرمانشاه، لرستان و کهگیلویه و بویراحمد در محدوده جنگل‌های زاگرس بیشترین آتش‌سوزی را به خود می‌بینند، همچنین در جنگل‌های هیرکانی که جزء جنگل‌های باستانی در شمال ایران (گیلان و مازندران) هستند هم در این سال‌ها به علت تداوم خشک‌سالی و کم‌بارشی همواره در معرض خطر قرار گرفته‌اند. آتش‌سوزی‌ها در جنگل‌های ارسباران در آذربایجان شرقی نیز به دلیل گرما و خشکی تکرار می‌شود. مسئله مهم این است که آتش‌سوزی همواره در جنگل‌ها رخ می‌دهد و این امری طبیعی است اما آن چیزی که مهم است این است که امروزه شرایط وقوع متفاوت شده است، در واقع الگوی زمانی، مکانی و شدت آتش‌سوزی‌ها تغییر کرده و از حالت طبیعی خارج شده است، یعنی در گذشته اگر آتش‌سوزی فقط در تابستان رخ می‌داد امروزه حتی در پاییز و زمستان هم شاهد وقوع آتش‌سوزی هستیم که نمونه بارز آن وقوع آتش در ۱۰ آبان ماه امسال در جنگل‌های الیت است که جزء گنجینه‌های ارزشمند جنگل‌های هیرکانی محسوب می‌شود. در این روند باید به این مسئله توجه کنیم که توان طبیعت به حدی کاهش یافته که اکوسیستم دیگر نمی‌تواند از پس این تهدیدات برآید. تا چند سال پیش طبیعت خود به خود توان خودپالایی داشت و به مرور ترمیم می‌شد اما دیگر توان طبیعت به آستانه رسیده و قدرتی برای بازتوانی باقی نمانده است، از این رو حیات وحش غافلگیر می‌شود و این روند خسارات را بالا می‌برد.

آگهی دعوت مجامع عمومی فوق العاده و عادی– نوبت اول
انجمن صنفی کارگری پرستاران ،بهیاران و کمک بهیاران
مراکز درمانی خصوصی شهر تهران

مجامع عمومی فوق العاده و عادی نوبت اول انجمن صنفی مذکور، روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ ساعت ۱۰ در محل دفتر انجمن به آدرس خیابان شریعتی ،خیابان کاج، پلاک ۵۷ واحد ۳۰۱ برگزار می شود.از کلیه اعضای هیات مدیره انجمن فوق دعوت می شود در جلسه مذکور شرکت نمایند.
ضمنا افرادی که تمایل به کاندیداتوری برای هیات مدیره و بازرسان می باشند می توانند در روز برگزاری مجمع تقاضای کتبی خود را قبل از برگزاری انتخابات تحویل هیات رئیسه مجمع نمایند.

دستور مجمع فوق العاده :
۱- اصلاح ماده ۲ اساسنامه و تغییر نام انجمن به انجمن صنفی کارگری پرستاران،بهیاران و کمک پرستاران مراکز درمانی خصوصی شهر تهران
۲- اصلاح ماده ۳۰ اساسنامه و افزایش مدت اعتبار بازرسان از یکسال به سه سال

دستور مجمع عمومی عادی:
۱- ارایه و تصویب گزارشات مالی هیات مدیره و خزانه و بازرس
۲- برگزاری انتخابات اعضای اصلی و علی البدل هیات مدیره و بازرسان

هیات مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده شرکت آرین درمان سلامت به شماره ثبت ۱۰۳۲۰۷۰۸۷۵۸ و به شناسه ملی ۲۳۵۱۱

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت آرین درمان سلامت دعوت به عمل می آید تا در مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۰۲ در ساعت ۸:۰۰ صبح در محل رسمی شرکت جهت تشکیل مجمع عمومی فوق العاده حضور بهم رسانند.**دستور جلسه :**
تغییر موضوع فعالیت شرکت در اساسنامه

هیئت مدیره

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

ارتباط با روزنامه شرق
T.ME/ALOSHARGH
WWW.SHARGHDAILY.IR

www.sharghdaily.ir